

# اُذین

تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۴۲ سال پنجم شماره ۴۴۴ نشریه ۱۰۰۰

## همه از دست هیأت حاکمه مینالند اصطلاحی که مفهوم خود را گم کرده همه بیأت حاکمه نالایق را جستجو میکنند تا بسزای اعمالش برسانند

شاید برای شامخ اتفاق افتاده باشد، برای من که بارها با اتفاق افتاده که در آنس کار زیاد و با اکتفا در هم تلاطم خود نویسم را گم کرده ام و در قافیه بندرجستجوی او بودم و بدینا خود توجه شدم و یادگیران متوجه ام کرده اند که جاب قلم در میان اکتشاف بنده تشریف برونه و من بیخود زیر میز باجیب بفل و کلاه کلاهها را جستجو میکنم. ملاکطور ما به چنین دودی مبتلا است ملا فلان روزنامه نویسی میگوید: هیأت حاکمه مرموز اجانب سالها کثور ما را تزلزل داد و بیخود در میان و چنین کردند ولی امروز ... اقتدر از این ما در ستان ... هیأت حاکمه نامدار میگویند که بفرموده مولی صیقلی میشود و میخواند مختلف این هیأت حاکمه را پیدا کند و مثل شک کنند.

همه چیز را تقریر آن میدانند حق هم دارند بخوش نشسته هستند، حق با آنهاست. بالاخره این هیأت حاکمه است که موجب تمام بدبینی ها و رنج های این ملت شده اند زیرا که این هیأت حاکمه است که کشور را ستمر این و آن کرده، حرفی نیست باید دید مثلا آنرا پیدا کرد و نابود ساخت.

ولی چیزی در اینجا است که هیأت حاکمه در میان اکتشاف ما، بدتر از آنست که قلم در میان اکتشاف است و در جستجوی آن هستن کسی است که با قلم مشغول نوشتن باشد و در ضمن آن جستجو نیز بکند. هیأت حاکمه وجود دارد یا نه؟ اگر میگویند و در ضمن در جستجوی آن خواهیم که خفاش از این بریش لای کچی، زهی اشتباه.

هیأت حاکمه چیست، آیا این جانور نحس دروغداری در میان کوه های البرز و قله برف دریا و پشته های است؟ نه، آیا هیأت حاکمه عبارت است از چند وزیر که اگر آنها بودند و دیگری باید کار درست میبوده.

در همین مدت کم، یعنی اوسال ۲۰ تا بحال وزرای رنگارنگ، نخست وزیران دریا چون از یک سرچش آب بخوردند و چون هر روز فقط اسبابها هم غارت داشتند پس هیأت حاکمه عوض نشده و توفیق آن سوری بوده حقیقی، در جواب میتوان گفت دولت امروزی که اینطور بی آیه هیأت حاکمه هرش نشده، بی ادبی و عده ای میگویند که،

پس از میتینگ ماروز ۳۰ تیر مردم از سخنرانی آقای دکتر شایگان استنباط کردند که طرفداران دولت یعنی وکلای نهضت ملی در فکر تشکیل یک حزب جدید هستند. رفته رفته این شایعه قوت یافت تا که در این دوره و در وقت بیست و معلوم شده که چنین فکری وجود دارد و عده ای نیز مامور مطالعه در اطراف آن شده اند.

این مسئله ما را واداشت که شبه ای در اطراف احزابی که تا کنون یعنی پس از واقعه شهریور ۲۰ در ایران بوجود آمده اند و تحریکی که در پی تاسیس آن هستند صحبت کنیم.

بیش پای ماینگذار  
آیا هیأت حاکمه با مصدق موافق است؟ یا موافق نیست؟ اگر موافق است پس مصدق از قماش هیأت حاکمه است و فرقی با نخست وزیران قبلی ندارد اگر نه موافق نیست، چرا کار شکنی میکنند، بعضی ها میگویند قدرت نامستقیم در اطاق فلان اداره باشان تمام بستگان اقوام و دوستان که مستقیما در دستگاه دولتی کاری ندارند ولی بوسیله بستگان خود اعمال نفوذ میکنند و چون خود می چرخانند، یعنی فلان ملاک، فلان تاجر و ...

این دست یعنی هیأت حاکمه در وقت میشود. دست اول آنها نیستند که نقش مرموزی در دستگاه دارند و از آن استفاده میکنند اینها به نسبت سن و سابقه خدمت از دست وزارت گرفته تا ریاست ملاان اداره کوچک وصولی را اشغال کرده اند و تغییر دولتها تنها تأثیری که در آنها دارد اینست که وزیر میشود استنادا استنادی میشود و وزیر و یا وکیل و یا پست های دیگر و رئیس این اداره

میرود و بادر دیگر همین دست دوم که به نسبت از دست اول مقدارشان زیادت است عبارتند از کارمندان معمولی ادارات که بغیر تئوری میخورند و جانی میکنند و در زیر چنگال دست اول دست و پا میزنند، اینها نقش مرموزی ندارند و اغلب نیز فاسد هستند.

دست اول که با هزاران رشته های مری و نامرئی بنام صاحبان روز و روزی پیوسته اند، یعنی با فلان وزیر فلان مدیر کار وکیل، تاجر، ملاک، کاری ندارند جز اینکه نمایان و بستگان خود را رضا کنند و پولی از مردم بگیرند لقمه ای بریز ستان بدهند و مابقی را خودشان نوش جان کنند، چسرا بریز ستان لقمه ای بدهند، پس برای اینکه بکشد آنها مردم را بدوشند، از اعتراض مردم جلوگیری کنند.

اگر درست دقت کنیم، تمام معینین تمام اعضای درجه یک و دو وزارتخانه ها، همه ملاکین و تاجران در کادر هیأت حاکمه قرار دارند و اینست آن هیأت حاکمه، بلکه ملاز دست آن مینالیم، خوشتره اینست که خود آنها نیز از دست خود مینالند، درست مثل زدی که خود او هم فریاد میزند آه زدی، آه بگیرد، این هیأت حاکمه قدرتش از تمام دیکتاتورها، رژیم نخست وزیران بالاتر است، زیرا خود اوست که دیکتاتور می باشد، نخست وزیر درست میکند، پس با توفیق و قدرت وزیر هیأت حاکمه عوض نمیشود. و اکنون نیز هیأت حاکمه همان است بود.

در اینجا سوالی مطرح است، آیا مصدق را نیز همین هیأت حاکمه روی کار آورد، یا نه، بدون تمارف نه، ولی او با همان هیأت حاکمه قبلی دارد کار میکند و این مسئله سؤال بزرگتری

## در اطراف حزب جدید

پس از شهریور ۲۰ دو چیز در مملکت مامثل علف در روزهای بهار روید، یکی روزنامه و یکی حزب، احزابی که تشکیل شدند از گذشت ششده که در چین قدیم تعداد احزاب از ده هزار گذشته بود و این موجب تعجب شونده میشد. اما در ایران بنسبت جمعیت تعداد احزاب و دستجات سیاسی از چین نیز فزونی گرفت، این احزاب دودنوع بودند و یا هستند، احزابی که عبارت بودند از احزاب لیدر و یکی دو نفر اطرافیان او و یک اطاق و یک تابلو و چند صندلی شکسته و یک روزنامه ارکان که سالی یکبار منتشر میکردید و احزابی که توانسته بودند و یا توانسته اند عده ای را بخود جلب کنند، احزاب دست اول مود بهت بمانست، احلام ارگرد خیابان های تهران دقت کنید، تابلوی این احزاب را خواهید دید، مقصود ما احزاب دست دوم هستند، یعنی آنها که کم و بیش توانسته اند اشخاص را بخود جلب کنند این احزاب را ما احزاب بادکنکی نام نهاده ایم.

که چند صبحی سرعت رشد کردند و ناگهان ترکیدند و جز نامی از آنها باقی نماند اما در این میان احزاب سوم نیز هستند، یعنی مثل حزب توده که هنوز رشد میکنند، یا احزاب ایران که بصورت روزهای نخست باقی مانده و رشد کردند و از این رفته و اکنون در حکومت نفوذ دارند.

باید این دو حزب را استثناء کرد، حزب توده روز بروز قوی میشود و حزب ایران با استفاده از نفوذی که در هیأت حاکمه دارد توانسته خود را نگهدارد این دو حزب را نمیتوان با هم مقایسه کرد و نمیتوان آنها را حزب بادکنکی نامید اما احزاب بادکنکی، مثل حزب دموکرات قوام، احزاب حلقه سید ضاء در درجه اول و احزاب، بیکار، مین و استقلال که کارشان به اختلاف هم کشید در درجه دوم.

ناگهان از بین رفته چرا اینطور شد؟ زیرا احزاب را نمیتوان از بالا درست کرد بلکه حزب باید از پایین از میان مردم درست شود.

مفهوم این جمله این نیست که اگر عده ای دور هم جمع شوند نمی توانند حزب

بشیر در صفحه ۴

دوشیزه در خفانی

بر نامه بهداشت اشتراک دیوئی

آقای دکتر پیروز

جناب آقای دکتر پیروز راجع به هم بهداشت کودکان و مرگ و میر زیاد از حد آنان سخنرانی میفرمایند. می گویند بواسطه نبودن پرستار کافی بواسطه نداشتن بهداشت آتشنا نبودن مادران بطرز تنه ای اطفال کودکان یا در همان اوان کودکی می میرند و یا ببارک و روی زرد چشمان کود گویهای از بزرگان بزرگ شده در سن هفت هشت سالگی می میرند و داخل مادران بیشتر میکنند میفرمایند خوشبختانه آمار صحیحی در دست نداریم که مرگ و میر اطفال را بحدی نشان دهیم.

بله واقعا اینهم یکی از آن صدها خوشبختی است که گریبان ما را گرفته و که با ما مرگ و میر است و مرگ و میر اطفال نکاه میکردیم و او وقت در پی چاره ای می رفتیم. میخواستیم ببینیم علت مرگ آنها چیست.

جناب آقای دکتر پیروز با هفتاد یک باده جلدی سخنرانی و امثال شما در رادیو که آنهم فقط برای آغیان و اشرف است یعنی فقط آنها می توانند استفاده کنند که اگر درست نمی شود باید علت اصلی را یافت و در پی چاره آن کوشید می فرماید که دیده شده که هنوز مادران نسخه اطباء را گوشه ای انداخته و برای معالجه اطفال مریشان بدستور دیگر

## متمم قانون اساسی

هاس از ا حیت اعتبار و طبقه بنایند که هیچ تفاوتی نداشته و فعالیت و تیره خدمت هر يك از آنها موثر در تمام کشور و عابیه همه افراد ملت می باشد.

اصل سی و یکم - بکنفر نتوانند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد. تأثیر زای مجلس سنا در باره تصویبات متخذه در مجلس شورای ملی و بالعکس ایجاب میکند که نمایندگان مجلسین مذکور نیز از افراد مختلف انتخاب شوند بکنفر نتوانند در زمان واحد در هر دو مجلس نمایندگی داشته باشند.

زیرا در غیر اینصورت رای مثبت یا منفی یککند در هر دو مجلس عضویت دارد مشکلاتی ایجاد خواهد کرد که تمارش فکری و نظری مجلسین از آنجا خواهد بود علاوه آنکه اگر این امر منع نباشد چه بسا پیش می آید که اکثریت اعضا يك مجلس در مجلس دیگر عضو باشند و در این صورت رای هر مجلس سنا در رای هر دو مجلس بوده در حقیقت وجود یکی از آنها بطرز ا مرید برای جلوگیری از تضاد بین يك چنین مشكل در اصل سی و یکم عضویت بکنفر در دو زمان واحد در هر دو مجلس ممنوع شده است.

«با عرض مغفرت از خوانندگان و نویسنده محترم»  
«کله» می شد» در آخر مقاله ماجرای دور پنجم غلط و داشته بودند» صحیح است  
\*\*\*

بقلم آقای علی اکبر تشیدمورخ معاصر فصل سوم

## ماجرای دوره پنجم

اینک دورنمای مختصری از اوضاع کشور

طریقی عقیده بعضی فرق اسلامی صرف اولوالامرا که بهر وسیله تحجیل قدرت باعث شده که نام خلیفه چند بدون کسی واقعی در آن خان بماند و الا معتصر اثری در خلفاء اسمی عثمانی از آثار خلفاء داشته و یا اسلحه و پول بپای او را اموی هم جزع برین عبدالعزیز اموی و منتصر و مهدی عباسی سلف عثمانی هماهیل حال را داشته حال آنکه شریف حسین مسئله خلافت را اشغال مینمود خلافت بواسطه هاشمی و اولاد پیغمبر بودن بافتوی او منتهی بزرگ فرق عامه ا و حقیقه و مالک تطبیق می شد و در استعمار طلب نتیجه از نایبه درست کردن خود گرفته بودند - که برای غنی کردن طریقه سادات شرقا مکه که بعد از خاندان سلاطین را بون از حیت و اوق صرف نظر از شرافت قدیم ترین خاندانی بودند که در دنیا شناخته می شدند این خاندانی در مصر و در ستان وجود آمده که خلافت را با شور مسلمانان تأمین کنند و تا زمانی که شریف حسین حیات داشت این اچمن هاشموف فعالیت بودند ولی چون ممکن بود نامرد بر این اچمن ها کذا می غلبه کند و خوف اینکه مبادا توفیق حاصل حاصل نماید دولت انگلیس این السودامیر ندر را با اسلحه و پول تقویت کرد تا کشور حجاز را بر سر او شرف و با اخراج نمود - با شور و تیران و اشرف که ملک مصر و ملک حسین بودند نسا که کردند یعنی یکی را در عراق و دیگری در ادماره اوردن اردن سلطنت کردن تا دیگر بقیال ایران حجاز و در واقع خلافت باشند قاتر و بیا و الا ایبار

فارت اداره

روزنامه مش آهین  
هسار زندانی مآلای قبه بریدی  
مدیر روزنامه مش آهین می نویسد که برای دومین بار اشرا در روزنامه ایشان را غارت کردند

آذین - ما از شهربانی کل میخواهیم که موضوع را رسیدگی و مرتکبین را تعقیب نمایند.

انتصاب

آقای سید عبدالعزیز قائم مقامی که از کارمندان با سابقه و اطلاع اداره ثبت می باشد بر ریاست ثبت شیران منصوب آقای سیدی قاضی نژاد بیازرسی ثبت کل منتقل شده

باز هم خونریزی و کشتار

در صفحه ۴



# برنامه بهداشت

بقیه از صفحه ۱  
آب پاک بزرگساز را بکار ببرید. برای اطراف دولت برای معاینه و معالجه ایستادگی استفاده شده است. حتی مقامات از بیمارستانهای دولتی استفاده نمایند. ولی خود بیمارستانها را از وضع بیمارستانهای دولتی اطلاع دادید. بهتر می دانید اطلاعاتی که (البته بجز عدم صدور) در راس کارها قرار گرفته اند چگونه از مریش پذیرایی میکنند. چگونه داری را بکار در اختیار مرضا میگذارند وضع بهداشت و نظافت و پرستار و پزشک را چگونه است خود شما بیمه اینها بهتر از هر کس واقفید و باز بهتر میدانید که این بیمارستانها هم برای استفاده طبقات اول و دوم است برای اینکه دیده شده که طبقات دیگر چگونه پذیرایی میشود.

منظور من از اینها که گفته شد طبقه اول و دوم نیست که هر کدام و هر فردی از افراد خانواده آنها از لطف بزرگترها چند شل و چند منسوب دارند نیست. منظور من ملت واقعی است. آنها ایست که در گوشه های شهر بدترین وضع ممکن زندگی می کنند خانواده های است که بوقل شما هر کدام دارای هفت هشت بچه هستند. خانواده هایی است که

# متمم قانون اساسی

بقیه از صفحه ۱  
اصل سی و دوم - چنانچه یکی از وکلای در ادارات دولتی موظف مستخدم شود از عضویت مجلس منقل میشود و مجددا عضویت او در مجلس موقوف به استعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف تفکیک قوای سه گانه مندرک شده که بقیده طرفداران این عقیده یکی از افراد تفکیک قوای است که در راه مامورین قوه مجریه هستند نمیتواند با حفظ شغل دولتی در مجالس مفتنه عضویت داشته باشند نتیجه این منع عدم مداخله قوه مجریه در قوه مقننه و بالعکس است چه اگر این منع نبود نماینده ای که بست نمایندگی بوزارت یا کارزار دولتی منصوب میشد و یا کارمند دولتی که در عین داشتن سمت استخدام دولتی به نمایندگی مجلس انتخاب میگردد در آن واحد در در قوه مجریه و قضاییه مداخله مستقیم و تاثیر شلی خواهد داشت که این امر مخالف استقلال و هر یک از سه گانه و عوامل مشروطیت و تفکیک آنها از هم خواهد بود.

بنابر این برای جلوگیری از تضاد بین چنین تعارضی در اصل سی و دوم متمم قانون اساسی تصریح شده است که چنانچه یکی از وکلای در ادارات دولتی موظف مستخدم شود از عضویت مجلس منقل میشود و مجددا عضویت او در مجلس موقوف به استعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود و نیز در تکمیل این امر در قانون محدودیت وزراء و معاونین و روسای ادارات دولتی در موقع انتخابات و نمایندگان مجلس در در قوه مقننه مقرر

تیرام ۱۳۰۲ شمسی شین دومامه مقرر شده است که اول کلیه روسای دوایر دولتی انتخاب شدن بجای شورای ملی در حوزه ماموریت خود معزوم خواهند بود و همچنین وزراء و معاونین موقع انتخابات از تمام مملکت و نایا با تقاضا هر در قوه مقننه نمایندگی مجلس شورای ملی نمی توانند هیچکدام از خدمات دولتی را موقفا قبول نمایند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت از نمایندگی استفاا نموده باشند و باین کیفیت اصل تفکیک قوای مجریه و مقننه در قانون اساسی ماموریت مقرر شده است.

# باز هم خونریزی و گشتار

بوجب اخباری که در روزنامه هانتشر گردیده در جنوب زودخورد و کشتاری روی داده. روزنامه های مخالف وموافق روزنامه های که ققط از دریچه متافع خود وقایع را نگاه می کنند هر یک نوعی جریان را تشریح کرده اند ولی آنچه که مسلم است آنچه که هیچ قدرتی قادر نیست آنرا تحریف کند اینست که ده نفر کشته شده اند و عده زیادی مجروح گشته اند چرا معلوم نیست میگویند کارگران میخواستند در سندیکی خود جمع شوند و حکومت نظامی مانع شده و در نتیجه زودخورد روی داده و چند نفر از هم میپتان ما مقتول شده اند.

سابقا اگر چنین وقایعی روی میداد می گفتند چون عناصر ماجراجو می خواستند فلان و بهمدان کنند و قصد داشتند اخلال نمایند بنایا نیروی انتظامی دخالت کرد و ....

اما این بار دیگر چنین بهانه هایی را هم لازم ندیدند و علنا گفته مسا بسندیکای کارگران جمع گردیم و زودیم و کشیم. بنام رستم سولتان عصر ام را مثل این که مورچه کشته اند واقعا در مملکت ما انسان از همه چیز بی ارزش تر است. سندیکیهای کارگری در تمام جهان وجود دارد حتی در کشور آمریکا که قبله آمال عده زیادی از زعمای قوم است و کارگران حق دارند که در اتحادیه های صنفی خود شرکت دارند چله تشکیل بدهند قانون دست باشکسته ما نیز این حق را برای کارگران شناخته و لذا هیچ قدرتی نمی تواند این حق را از کارگران سلب نماید در همین تهران اتحادیه های کارگری وجود دارند و مشغول فعالیت هستند و معلوم نیست بچه دلیل حکومت نظامی مانع تشکیل اتحادیه در جنوب شده و چنین خونریزی برپا کرده.

اگر در شرایط حکومت نظامی تشکیل مجامع منوع است پس چرا احزاب و دستجات مختلفه در همین تهران تشکیل جلسه می دهند و حکومت نظامی هم جواز می دهد.

معلوم نیست این حکومت شتر گاوپلک چه منظوری دارد. آخر آقایان اینها که شما می کشید انسان نیستند آقای فرماندار نظامی مگر شما فرزند ندارید خانواده ندارید اگر خرابی بای شما برود تمام دستگاه دولتی برای تعلیل شما بهر کرد می آید و شما باکمال می اضافی می کشید آن وقت اسم این را میگذارند اناسایت حفظ نظم.

آقدر در این مدت خونریزی شده آقدر مردم بسدیخت بدست یکشخت تپی مفر نا پوشیده اند که من آرزو می کنم حکومتی روی کار بیاید که انتقام این مظلومین را از قاتلین آنها بگیرد حتی اگر روی کار آمدن چنین حکومتی موجب شود که خود منم خورم کردم.

آری وجود نفس و نجس شما کثافت ازین برداشته شود بفرک که منم هراه شما ازین بروم.

# همه از دست هیأت حاکمه مینالند

بقیه از صفحه ۱  
و سبب تر دارد نه اصلاحات مفهوم و سبب تر دارد و وقتی میتوان اصلاحات نام برد که خرابی درین باشد و همه میدانیم که خرابی هست ولی باید بدید آیا این خرابی برای همه است یا بعهده مددوی این را نیز میدانیم که تقریبی بعضی خرابی و ضربه برای همه نیست بلکه دسته اول هیأت حاکمه که خود موجود خرابی هستند و کجترین لطمه ای بپیچند پس می بینیم که هدف اصلاحات آن دسته از هیأت حاکمه هستند که از خرابی وضع استفاده می کنند و گفتیم که این خرابی برای آنهاست که استفاده می کنند می برند خوب این اصلاحات را چه کسی باید اجرا کند آن دسته از هیأت حاکمه که اصلاحات بران است.

مثلا اینکه دیگر کافسی است مثل این که معلوم شد که کفای مسئله لنک اینگونه احزاب یکباره از پایین درست نشود بلکه باز عده ای که کم و بیش ممکن است اصلاح بطنه ایکه حزب آنرا در بر میگیرد بستگی نداشته باشند کرد هم جمع میشوند و بادر نظر گرفتن باین آلهای است که استفاده می برند جدید را میریزند ولی چون این شالوده بر اساس خواست های مردم نهاده شده حزب از این بستر رشد می کند و نیرومند میشود و از طرف توده های غیر حزبی حمایت میگردد.

اینست مختصری از طرز تاسیس یک حزب و ترجیه با نشان داده که اگر راه تشکیل حزب جز این باشد آن حزب نمی تواند پایا و بادوام باشد تنها تجربه در ایران بلکه تجربه جهانی این مسئله را تایید کرده.

# آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۳۲/۲۴ بانو راضیه اولی بنشنامه ۱۸۰۶۹ صادره از مشهد باستاند یکبرک استعلامه محلی ورو نوشت شناسنامه و یکبرک مرحوم خلاصه مرگ مینی بر قوت متوفی دادخواست بشماره ۷۴۱۳۰ داده برایشکه مرحوم عباس حاج محمد تقی شیرازی بنشنامه ۱۳۵۳ در تاریخ ۲۹/۱۲/۲۵ در تهران محل اقامت دائمی خود فوت نموده (مقتضایه) عیال و آقای قاسم حاجی محمد تقی شیرازی پسر متوفی و وارث منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاعشاهی و یکی از جراید کثیر انتشار مرگ درج و آگهی میگردد و با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و عدم وصول اعتراض حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی در تود خود دارد در مدت مذکور ابراز والا هروصیت نامه سوی سری و رسمی ابراز و ارائه شود از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود.

نوبت اول ۳۲۵۵۵ - آ ۱۹۴ -  
دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران - محمد ابریشیان

# آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۳۲/۲۵ بانو عصمت معجوبی بنشنامه ۷۷۲۳ باستاند یکبرک استناد ورو نوشت شناسنامه ۱۸۰۶۹ دادخواست داده باینکه مرحوم حسن معجوبی دارای شناسنامه شماره ۱۳۵۳ در تاریخ ۳۱/۱۲/۲۵ در تهریش محل اقامت دائمی خود وفات یافته و بانو عصمت معجوبی مقتضایه بانو افس و بانو وحشت دختران و معذیسر و بانو فاطمه عیال دائمی متوفی که نام فامیلی همه آنان معجوبی است و وارث منحصرش می باشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاعشاهی و روزنامه آذین آگهی میشود و با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض سرحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد طرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

نوبت سوم ۳۲۵۵۵ - آ ۱۹۴ -  
دادرس شعبه اول بخش طهران محمد ابریشیان

# آگهی ابله غدا خواست

بتاریخ ۱۳۳۲/۲۵ بانو حسین معذیبی بوکالت آقایان عباس وعلی و مرتضی اخوان بطریقت آقایان دکتر لیلایی و زودخورد فریدون بهی زود بانوان ماهی نری و بانو بشارت خاوری دادخواستی بخواست افسراد و تقسیم پلاک شماره ۳۷۵۵۳ دادخواستی بشماره ۱۳۵۳/۱۳۰۹-۳۱/۱۲/۲۵ داده بخش تقدیم بدین توضیح که بوجب در نوشت سند مالکیت بیوست هر یک از موکلین نسبت بسهم خود مالک میباشد نسبت به پلاک نامبرده واقع در بخش ۱۳ اراضی جیشیه آباد تقاضای افرا از باب نظر کارشمار را نموده و چون وکیل خواهان محل اقامت خوانده هارا غیر معلوم معرفی نموده تا تقاضا مشارالیه طبق ماده ۱۰۰ از قانون آیین دادرسی مدنی دادخواست خلاصه امر بوسیله درج در مجله رسمی کشور شاعشاهی و یکی از جراید مرکزی طبق مقررات سه نوبت بی دربی آگهی مینماید که از تاریخ نشر آخرین آگهی در ظرف سه ماه برای بوم شنبه با نهمزدن آسانه سه ساعت و نیم قبل از ظهر چه رسیدگی در دادگاه بخش هیأت اول حاضر و با وکیل ثابت ال واکا خود را معرفی والا تقاضای خواهان مطابق مقررات رسیدگی و اقدام مقتضی عمل خواهد نمود اگر بعد از این بوسیله آگهی لازم شود فقط بکثورت آگهی در روزنامه خواهد شد و مدت آن ده روز است.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه بخش تهران - ابوالقاسم سرمد  
۳ - آ ۱۳۶ -

# آگهی

بتاریخ ۱۳۳۲/۲۳ بانو آملی معصومی دارنده شناسنامه شماره ۲۴۹ باستاند یکبرک استناد ورو نوشت شناسنامه شماره ۲۰۸۳۲ دادخواست داده باینکه مرحوم حاجت معصومی ارگه دارنده شناسنامه شماره ۱۹۹۴۴ در تاریخ ۳۱/۱۲/۲۳ در طهران محل اقامت دائمی خود وفات یافته و آقای غلامی مقتضایه ولامعین وعلی و محمد واحد و محمد و محمد و بانوان سکینه و فاطمه و زهره و خدیجه و ربابه و دودخیزه بول دختران و بانو صفری عیال که نام فامیلی همه آنان معصومی است و بانو در ذالصدق (سیده محمد مرادی) نیز عیال دائمی متوفی و وارث منحصرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاعشاهی و روزنامه آذین آگهی میشود و با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض سرحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد طرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

نوبت اول ۳۲۵۵۵ - آ ۱۹۴ -  
دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران محمد ابریشیان

# صاحب امتیاز: سید محمد بنی احمد وکیل پایه یک دادگستری جای اداره خیابان خیام

# چاپخانه تجدد ایران

اول لاله زار  
با اتو کارهای میهن تور مسافرت کنید